

نگاه حقوقی

ناترازی در دستمزد کارگران

ابوذنصرالهی

حقوق دان ووکیل دادگستری

دستمزد عادلانه به عنوان یکی از موضوعات کلیدی حقوق بشری، در اسناد بین‌المللی، قوانین داخلی و احکام اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است. قانون اساسی ایران، اسناد بین‌المللی و منابع مقررات اسلامی، دولت را مکلف به تأمین معیشت شرافتمندانه برای کارگران کرده‌اند.
باین‌حال، دستمزدهای کنونی کارگران در ایران با چالش‌هایی مواجه است که می‌تواند نقض حقوق بشر، اصول قانون اساسی و احکام اسلامی تلقی شود.

براساس مصوبه شورای‌عالی کار برای سال ۱۴۰۴، حداقل دستمزد پایه ماهانه کارگران ۹۰۹,۶۸۰ ریال (حدود ۱۰.۴ میلیون تومان) تعیین شده است. با احتساب مزایایی نظیر حق مسکن (۹ میلیون ریال)، بن نقدی (۲۲ میلیون ریال) و حق اولاد (۱۰.۳۹ میلیون ریال برای هر فرزند، دستمزد یک کارگر متأهل با دو فرزند به حدود ۱۶۳.۵۱ میلیون ریال می‌رسد. این افزایش ۴۵درصدی نسبت به سال ۱۴۰۳ گامی مثبت به نظر می‌رسد، اما با بررسی سبد معیشت و خط فقر، کافی‌نبودن آن آشکار می‌شود. سبد معیشت یک خانوار ۳.۳نفره در سال ۱۴۰۴ حدود ۲۵۰ میلیون ریال برآورد شده است، درحالی‌که دستمزد پایه فقط ۴۲ درصد و دستمزد کارگر متأهل با دو فرزند ۶۵ درصد از این سبد را پوشش می‌دهد. خط فقر برای یک خانوار چهارنفره بین ۳۰۰ تا ۳۵۰ میلیون ریال است که نشان‌دهنده فاصله عمیق دستمزد با حداقل‌های معیشتی است. تورم ۳۲.۵درصدی در سال ۱۴۰۳ و افزایش هزینه‌های مسکن و مواد غذایی، ارزش واقعی دستمزد را کاهش داده است. برای مثال، اجاره یک آپارتمان ۵۰متری در تهران (حدود ۱۵۰ میلیون ریال) بیش از دستمزد پایه است. هزینه‌های درمانی و آموزشی نیز بار سنگینی بر دوش کارگران گذاشته و قدرت خرید آنها را به‌شدت کاهش داده است.

قَرآن کریم بر پرداخت عادلانه حقوق تأکید دارد. آیه ۱۹ سوره زمر می‌فرماید: «قَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ» (حق نزدیکان، یتیمان و درراه‌ماندگان را ادا کن) که شامل پرداخت منصفانه دستمزد کارگران است. در مقررات اسلامی تأکید شده که دستمزد باید عادلانه و براساس توافق منصفانه باشد و ظلم به کارگر حرام است. همچنین امام علی(ع) در نهج‌البلاغه (نامه ۵۳) به مالک اِشتر امر می‌کند که حقوق کارگر-ان و طبقات ضعیف را به‌موقع و عادلانه پرداخت کند تا عدالت اجتماعی محقق شود.

در فلسفه اخلاق، عدالت در پرداخت دستمزد نه‌تنها یک الزام حقوقی، بلکه یک وظیفه اخلاقی است که کرامت انسانی را حفظ می‌کند. امانوئل کانت، فیلسوف برجسته، معتقد بود انسان‌ها باید به عنوان «غایت فی‌نفسه» (هدف در خود) و نه ابزار مورد احترام قرار گیرند. پرداخت دستمزد ناکافی به کارگران، آنها را به ابزاری برای تولید تقلیل می‌دهد و کرامت ذاتی‌شان را خدشه‌دار می‌کند. همچنین از دیدگاه اخلاق اسلامی و اصل کرامت ذاتی انسان، اصل «انصاف» ایجاب می‌کند که کارفرما و دولت به کارگر به عنوان یک انسان با نیازهای اساسی نگاه کنند، نه صرفا نیروی کار.

حق دستمزد عادلانه در اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز به‌صراحت تضمین شده است. ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) مقرر می‌کند که هر فرد حق دارد «دستمزدی عادلانه و رضایت‌بخش دریافت کند که معیشت او و خانواده‌اش را به نحوی شایسته تأمین کند». مقاله‌نامه شماره ۱۳۱ سازمان بین‌المللی کار (ILO) بر تعیین دستمزدی تأکید دارد که حداقل‌های زندگی شرافتمندانه شامل غذا، مسکن، پوشاک، آموزش و اوقات فراغت را تأمین کند. مقاله‌نامه شماره ۸۷ ILO حق تشکل و مذاکره جمعی را به رسمیت می‌شناسد که برای چانه‌زنی در مورد دستمزد عادلانه ضروری است. باین‌حال، نبود تشکل‌های کارگری مستقل در ایران، این حق را محدود کرده است.

قانون اساسی نیز مقررات روشنی برای حمایت از کارگران پیش‌بینی کرده است. اصل سوم دولت را مکلف به «پی‌ریزی اقتصاد عادلانه برای رفع فقر و محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن و کار» می‌کند. اصل سی‌ویکم، تأمین «مسکن متناسب با نیاز» را حق هر خانواده ایرانی می‌داند و اولویت را به کارگران می‌دهد. اصل چهل‌وسوم بر تأمین نیازهای اساسی (مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت و آموزش) برای همه تأکید دارد. این اصول با احکام اسلامی همخوانی دارند؛ زیرا تأمین معیشت کارگران از وظایف حاکم اسلامی است.

در نظریه «عدالت به‌منایه انصاف»، استدلال می‌شود یک جامعه عادلانه باید شرایطی را فراهم کند که نابرابری‌های اقتصادی به نفع محروم‌ترین اقشار باشد. دستمزدهای ناکافی کنونی در ایران با این اصل ناسازگار است؛ زیرا کارگران، به عنوان یکی از محروم‌ترین گروه‌ها، از حداقل‌های معیشتی محروم هستند. این وضعیت نه‌تنها عدالت اجتماعی را مخدوش، بلکه انسجام اجتماعی را نیز تضعیف می‌کند.

باین‌حال، ناترازی جدی بین دستمزد کارگر ساده با حداقل استانداردهای معیشتی وجود دارد که با اصل سوم (رفع فقر) و اصل چهل‌وسوم (تأمین نیازهای اساسی) ناسازگار است. نیازهای عمیق، تحقق اهداف قانونی اساسی و احکام اسلامی در زمینه عدالت اجتماعی را با چالش مواجه کرده است. کارگران غیررسمی، مانند کارگران ساختمانی یا روزمزد، با مشکلات بیشتری مواجه‌اند. هرچند تسهیلاتی برای بیمه کارگران پیش‌بینی شده، اما بوروکراسی اداری، بازرسی‌های مکرر و دائمی نبودن کار، معضلاتی جدی به‌ویژه در قطع بیمه ایجاد کرده است. اصل ۲۹ قانون اساسی تأمین اجتماعی، از جمله بیمه و خدمات درمانی را حقی همگانی می‌داند، اما بخشی از کارگران فصلی و ساختمانی به دلیل بازرسی‌های سازمان تأمین اجتماعی از آن محروم می‌مانند. فاصله عمیق بین دستمزد و سبد معیشت، انتظارات ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، اصل ۴۳ قانون اساسی و احکام اسلامی را تأمین نمی‌کند.

از منظر اخلاق کاربردی، کافی نبودن دستمزدها پیامدهای اجتماعی و اخلاقی گسترده‌ای دارد؛ از جمله افزایش فقر، ناامیدی و کاهش اعتماد به نهادهای حاکمیتی، کار کودکان، مشاغل کاذب و کاهش کرامت انسانی که با مقدمه قانون اساسی (تأکید بر کرامت انسانی)، استانداردهای حقوق بشر و قواعد اخلاقی مغایر است. مضافا اینکه این وضعیت با اصل اسلامی «امر به معروف و نهی از منکر» در تضاد است؛ زیرا کوتاهی در تأمین معیشت کارگران، به منکرات اجتماعی مانند فقر و نابرابری دامن می‌زند. برای بهبود وضعیت، افزایش واقعی دستمزد به نحوی که سبد معیشت خانوار را پوشش دهد، ایجاد سازوکارهای حمایتی قوی برای کارگران غیررسمی از جمله بیمه بی‌کاری و خدمات درمانی مستقیم و تسهیل فرایندهای بیمه برای کارگران ساختمانی و فصلی ضروری است. تقویت تشکل‌های کارگری و اجرای دقیق قواعد بین‌المللی و اصول قانونی می‌تواند به تحقق عدالت اجتماعی کمک کند.

سفره کارگران کوچک‌تر از قبل شده و با تصویب دستمزدهای سال جدید، ترس آنها از وضعیت معیشتی بیشتر شده است. با این حال بسیاری از کارشناس‌ها و فعالان حوزه کار و کارگری باور دارند، امسال کارگران فقیرتر از قبل خواهند شد. با وجودی که حداقل دستمزد ماهانه حدود ۱۰ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان تصویب شد، اما قیمت کالا‌های مصرفی به صورت هفتگی و حتی روزانه تغییر می‌کند. با اینکه تصویب حق دستمزد‌ها بر اساس شاخص‌های سال قبل در نظر گرفته شده که حتی اگر بر اساس سال جدید هم به تصویب می‌رسید، باز هم طبق نظر برخی کارشناسان، باید پروتکلی در نظر گرفته شود که حقوق کارگران در نیمه دوم سال به‌روزرسانی شود؛ زیرا علاوه بر اینکه با این میزان حقوق، کارگران رغبتی برای کارکردن در خود نمی‌بینند، فقیرترشدن آنها می‌تواند تبعات غیرقابل جبرانی برای جامعه به همراه داشته باشد، به شکلی که باید منتظر افزایش برخی جرائم در کشور بود.

آسیب اجتماعی دستمزد‌های پایین

در دو سال گذشته حدود ۳۷ درصد دستمزد کمتر از تراز تورمی بوده؛ این موضوعی است که اکبر شوکت، رئیس انجمن‌های صنفی کارگران ساختمان و عضو سابق هئت امنای سازمان تأمین اجتماعی در گفت‌وگو با «شرق» به آن اشاره دارد و یکی از علت‌های بی‌انگیزگی کارگران برای آنکه وارد بازار کار نشوند را همین میزان دستمزد‌ها می‌داند. او در بین صحبت‌هایش می‌گوید حدود ۳۰ درصد مشاغل تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی نیستند؛ «با این دستمزد‌ها کارگر تمایلی به کار ندارد، در حالی که برخی، موضوع را برعکس برداشت کرده‌اند و می‌گویند بی‌کاری کم شده است. در حالی که کارگر رغبتی برای کارکردن با این میزان دستمزد‌ها ندارد. از دو سال قبل فاصله وحشتناکی بین خط فقر و حداقل دستمزد توسط وزارت کار در نظر گرفته شد که همین موضوع باعث اعتراض جامعه کارگری هم بود».

طبق گفته‌های شوکت، از سال ۹۲ تا ۹۷ یک روالی در تعیین دستمزد طی شد که با این روش، هر سال حقوق‌ها یک تا شش درصد بالاتر از تورم بسته می‌شد. او در تکمیل توضیحاتش اضافه می‌کند: «با این روش به‌تدریج دستمزد‌ها به خط فقر نزدیک می‌شد؛ چون کارفرما هم به این درک رسیده بود هرچه دستمزد‌ها از خط فقر فاصله بیشتری پیدا کند، بهره‌وری و تمایل برای کار پایین می‌آید. به سال ۹۷ دستمزد تقریباً به ۷۰ درصد خط فقر رسید و کم‌کم این شکاف در حال پرشدن بود. سال ۹۸ متأسفانه این دستمزد کمتر از تورم بسته شد و خروجی آن، اعتراضات وسیع گروه بازنشستگان بود. بعد هم دولت مجبور به اجرای بحث هسان‌سازی توسط سازمان تأمین اجتماعی شد. در سال ۱۴۰۱ حدود هفت یا هشت درصد دستمزد را بالاتر از تورم تصویب کردند تا اشتباهات گذشته تا حدی جبران شود. همان زمان تئوری‌های اشتباهی مطرح شد که افزایش دستمزد باعث افزایش تورم خواهد شد، در حالی که این مسئله قابل اثبات است که کل دستمزد بر قیمت تمام‌شده کالا، در کشور ما حدود شش تا هفت درصد است. بنابراین در دو سال بعد از آن ضربه محکمی به جامعه کارگری وارد شد و ما عدد ۷۰ درصد به عدد ۳۷ تا ۳۵ درصد رسیدیم.» میزان افزایش پایه حقوق در سال جاری بحث‌های بی‌شماری در پی داشت که حتی گفته می‌شود این میزان دستمزد باعث کاهش انگیزه کارگران برای کار می‌شود. این فعال حوزه کارگری دراین‌باره توضیح می‌دهد: «امسال خیلی از کارفرما خودشان با رغبت حقوق را افزایش دادند. در فضاهای صنعتی همه کارفرما‌ها به این میزان افزایش دستمزد می‌دیدند. آنها می‌گفتند ما حاضرم چهار تا پنج میلیون بیشتر از نرخ تعیین‌شده شورای‌عالی کار، پرداخت کنیم تا کارگر بماند و کار کند. کارگری که در شهرک صنعتی کار می‌کند، باید مسیر بیشتری برای رفت‌وآمد طی کند که با این شرایط دیگر هشت ساعت کار نکرده، بلکه ۱۰ تا ۱۱ ساعت وقتش را برای یک حقوق ناچیز صرف کرده است».



کارگرانی که در ساختن پل‌ها و سازه‌های بزرگ مشغول به کار هستند

گزارش «شرق» از مشقت‌های کارگران و زندگی‌هایی که خلاصه‌تر شده است

به قیمت جان

فرزندان کارگران خیلی سریع وارد بازار کار می‌شوند و بار هزینه‌ها را به دوش می‌کشند و آسیب‌های اجتماعی از جمله کودک‌همسری و کار کودک، در انتظار آنهاست و با کوچک شدن سفره‌ها بیمار می‌شوند و توانایی درمان هم ندارند



نسترن فرخه

با وجود تمام نقدها به میزان دستمزد سال ۱۴۰۴، شوکت باور دارد: «تورم امسال حدود ۳۴ تا ۳۵ درصد و حداقل دستمزد تعیین‌شده حدود ۴۵ درصد اعلام شد تا بخشی از اشتباهات دوره وزیر قبل جبران شود. با این حال باید طرف سه تا چهار سال آینده هفت تا ۱۰ درصد دستمزد‌ها بالاتر از تورم بسته شود که با این روش، بتوان نزدیک خط فقر شد. چون می‌دانیم به یکباره نمی‌توان این شکاف را جبران کرد. به نظر می‌آمر اگر این دستمزد امسال ۵۵ درصد هم تصویب می‌شد، صنایع کوچک با مشکل مواجه می‌شدند، ولی صنایع بزرگ با آن موافقت می‌کردند چون می‌دانند با چه اعداد و ارقامی کارگر در این محیط‌ها کار می‌کند».

بر اساس پایه حقوق سال جاری، دستمزد کارگران با خط فقر فاصله بسیاری دارد و او دراین‌باره می‌گوید: «با توجه به افزایش قیمت ارز و دلار در اسفند سال گذشته میزان خط فقر ۲۵ میلیون تومان اعلام شده بود که حالا به نزدیک ۳۰ میلیون تومان رسیده است. در حال حاضر اگر درآمد یک خانواده سه‌نفره را ۱۵ میلیون در نظر بگیریم، ۵۰ درصد خط فقر را پر می‌کند؛ یعنی از حداقل‌های زندگی مثل تغذیه، آموزش، درمان و مسکن محروم می‌شود. در این شرایط اولین چیزی که حذف می‌شود، معمولا تغذیه و میزان کالری‌هایی است که باید به بدن برسد». به گفته شوکت، همین مسئله، افراد را بیمار می‌کند در حالی که حتی برای درمان هم پولی ندارند. آنها با این میزان درآمد برای تهیه مسکن با دشواری روبه‌رو می‌شوند، به طوری که در بدترین مناطق، خانه‌های ارزان‌قیمت و نامناسب تهیه می‌کنند که آسیب‌های زیادی هم برایشان دارد. این فعال کارگری تأکید می‌کند در چنین شرایطی، مسائل رفاهی، اولین بخشی است که از زندگی این افراد حذف و در پی آن آسیب‌هایی مثل دزدی و جرائم دیگر هم در جامعه تولید می‌شود. مثلا وقتی سرانه مصرف گوشت قرمز در دهه ۶۰ یا ۷۰ را با الان مقایسه می‌کنیم، از یک‌دهم هم کمتر شده است. خروجی همه اینها فقر است که فقر هم باعث افزایش آسیب‌های متعدد می‌شود. با این حال باید ده‌ها برابر هزینه شود تا این آسیب‌های به‌بارآمده از جامعه حذف شود. تفکراتی که مفایای ثروت و قدرت دارند و در اعمال دستمزد نفوذ می‌کنند، منجر به همین مسائل و شیوع سیکل آسیب اجتماعی می‌شود».

دستمزد کارگران در طول سال به‌روز شود

افزایش دستمزد کارگری به صورت سالانه و معمولا بر اساس شاخص‌های سال قبل تصویب می‌شود، در حالی که قیمت کالا‌ها گاهی به صورت روزانه افزایش می‌یابد؛ این مسئله نیاز به قانون مستقلی دارد که طی آن، حداقل ۵۰ درصد از سرکوب مزدی دو دهه اخیر را جدا از مصوبات شورای کار، به صورت پلکانی جبران کند. متأسفانه افزایش دستمزد را با توجه به وضعیت شاخص‌های سال گذشته در نظر می‌گیرند. اگر قرار باشد حتی وضعیت سال آینده پیش‌بینی شود، باید به این نکته توجه شود که اقتصاد ثابت و پایداری نداریم تا درصد مشخصی تعیین کنیم. با این حال کارگران حتی با این شرایط نمی‌توانند هزینه‌های مسکن و آموزش فرزندانشان را برای یک سال پیش‌بینی کنند».

او ادامه می‌دهد: «در چنین شرایطی نمی‌توان برای کارگرانی که اجاره یک سال مسکن و معیشت را می‌دهد، ۱۱ ساعت وقتش را برای یک حقوق ناچیز صرف کرده

مکانیسم‌هایی حداقل در نیم‌سال دوم به‌روز شود؛ در حالی که مکانیسمی برای این موضوع وجود ندارد. اقتصاد ما که وابسته به مسائل سیاسی است، حتی برای یک تا دو ماه آینده هم قابل پیش‌بینی نیست. ممکن است شکاف هزینه و دستمزد آن‌قدر عمیق شود که دیگر نتوان جبران‌ش کرد. کارگری که فرزند خردسال یا محصل دارد، با توجه به تمام مخارج مثل درمان و آموزش مجبور است با اضافه‌کاری این عقب‌ماندگی از تورم را جبران کند».

معیشت یک خانواده به طور مستقیم بر سرنوشت فرزندان آن خانواده اثر می‌گذارد؛ اسماعیلی به همین مسئله می‌پردازد: «فرزندان این خانواده‌ها به شکل مستقیم تحت تأثیر درآمد سرپرست خود قرار می‌گیرند. فرزندی که قصد دارد به دانشگاه برود و می‌بیند سرپرست خانه توان تهیه یک لپ‌تاپ را برای او ندارد، ترجیح می‌دهد به خدمت سربازی برود و دختران هم ادامه تحصیل ندهند. حتی در سن پایین‌تر هم گاهی ترجیح می‌دهند به‌جای مدرسه و سب‌پار کردن، وارد بازار کار شوند که در این صورت به کودک بازمانده از تحصیل و کودک کار تبدیل می‌شوند. فرزندان این خانواده‌ها متوجه شرایط اقتصادی خانواده هستند و برای آنکه باری بر دوش خانواده نباشند ممکن است وادار به تصمیم‌هایی شوند که در آینده این شکاف اقتصادی و اجتماعی بیشتر شود. با این حال پدیدآمدن آسیب‌هایی همچون جرائم مختلف، اعتیاد، دزدی، کودک‌همسری و موارد دیگر محصول همین شرایط است». این فعال حوزه کار و کارگری در ادامه توضیح می‌دهد: «در دوره‌ای اعلام می‌شد با سرکوب دستمزد، تورم کنترل می‌شود، ولی از آن هم عبور کردیم و الان با سرکوب دستمزد و افزایش غیرواقعی تورم روبه‌رو هستیم. نهاد افزایش دستمزد نرخ خود را دارد که یکپارچه نیست و از طرفی نهادهای دیگر قیمت‌گذاری می‌کنند. مثلا برای موضوع مسکن که بخش قابل توجهی از درآمد کارگر را شامل می‌شود، می‌بینیم هیچ نهادی برای آن خط قرمزی روشن نمی‌کند. الان افزایش اجاره‌بها بیشتر از کل افزایش دستمزد است. در کنار این، یک خانواده باید برای دیگر نیازهای خود نیز هزینه پرداخت کند. حدود ۷۰ یا ۸۰ درصد افراد حقوقشان فقط ۲۵ درصد افزایش داشته که مبلغ چندانی نمی‌شود. به نظر سال آینده با تشدید وضعیت فقر در بین قشر کارگر روبه‌رو هستیم و هر طبقه یک الی دو دهک به طبقه پایین‌تر سقوط می‌کند».

عقب‌تراز تورم

میزان حقوق کارگری و میزان تورم‌های حال حاضر با یکدیگر همخوانی ندارد. این نظر بسیاری از فعالان کارگری همچون ولی طارانی است که در گفت‌وگو با «شرق» باور دارد: «بسا توجه به تورمی که در جامعه وجود دارد، این پایه حقوق در نظر گرفته‌شده کافی نخواهد بود. مسئولان از یک طرف بحث جوانی جمعیت را مطرح می‌کنند تا فرزندآوری صورت گیرد و از طرف دیگر برای میزان دستمزد، خانواده سه‌و نیم‌نفری را در نظر می‌گیرند که البته با این حقوق‌ها سه‌و نیم نفر هم نمی‌تواند زندگی کند. مثلا در دو هفته گذشته قیمت لبنیات چند برابر افزایش داشته است. مسئله این است که برای تصویب دستمزد‌ها همیشه سال قبل در نظر گرفته می‌شود، در حالی که الان شرایط تورمی سال بعد ۱۴۰۴ است، در نظر گرفته نشده است. برای همین کارگر‌ها عقب‌تر از تورم می‌مانند. با این حقوق‌ها کسی در کارخانه‌ها کار نمی‌کند. برای بسیاری از آنها بهتر است که در مشاغل مثل تاکسی‌های اینترنتی مشغول به کار شوند. یک مدت به دلیل همین وضعیت دستمزد‌ها کارگر‌ها به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کردند؛ چون کارگر حرفه‌ای و حتی صفر با این شرایط دیگر کار نمی‌کند. مقرر اصلی این موضوع هم دولت است که تورم را بدون مدیریت رها کرده. با کارگری که ۲۰ سال است در داروسازی، آتش‌نشانی یا کارخانه کار می‌کند، سه ماه به سه ماه قرارداد می‌بندند. از طرفی، آماری از کارگران بدون بیمه وجود ندارد. اگر بازرسی‌ها مثل دهه ۶۰ تا ۸۰ انجام می‌شد، شرایط بهتر بود؛ چون الان بازرسی کار لا تعطیل است و خیلی از کارگر‌ها در کارخانه‌ها روزمزدی هستند که در هیچ فهرستی هم جای نمی‌گیرند».

امروز چه خبر

پرونده «میانکاله» همچنان باز است



مهس: با وجود دستور رئیس‌جمهور برای توقف پروژه پتروشیمی میانکاله، پرونده به طور کامل بسته نشد. تکلیف ۹۲ هکتار زمین واگذارشده مشخص نیست و عاملان پروژه هم در حال اقدام برای احیای مجدد آن هستند. حنیف‌رضا گلزار، کارشناس ارشد خاک و آب و کنشگر محیط زیست و منابع طبیعی، دراین‌باره می‌گوید: «چهارشنبه هفته گذشته و پس از تماس مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، با استاندار مازندران دستور توقف پروژه پتروشیمی میانکاله اعلام شد و براساس این باید ساماندهی و اقدامات لازم در این راستا انجام گیرد». او افزود: «هنوز شاهد اقدامات افسارگسیخته از سوی عاملان پروژه هستیم، به طوری که روز بعد از ابلاغ رئیس‌جمهور حدود ۱۰ کامیون قصد ورود به محوطه مربوطه را داشتند.

این موضوع با اعتراض مردم محل مواجه و ورود کامیون‌ها محقق نشد، ولی صبح زود روز شنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ که هوا به‌اصطلاح گرگ‌ومیش بود، مجدد هفت کامیون مصالح به محوطه ورود یافتند. در حال حاضر مصالح از طریق بولدوزر و لوادر وارد محل شده و اقدامات زیرساختی در حال انجام است. این در حالی بوده که همه مسیرهای قانونی برای جلوگیری از فعالیت در میانکاله انجام شده است». او با اشاره به اینکه پتروشیمی میانکاله در پنج‌کیلومتری حریم تالاب میانکاله قرار دارد، گفت: «پروژه پتروشیمی میانکاله پیامدهای زیست‌محیطی زیادی را برای این محدوده به همراه دارد و موضوعات مختلف، اکوسیستم این محل را تهدید می‌کند که باید به صورت مستقل هرکدام از این موضوعات در نظر گرفت، یکی از این مباحث استقرار تاسیسات آب‌شیرین‌کن و دیگری خود مجتمع میانکاله و تبدیل گاز طبیعی به پروپیلن است».

۱۷ استان گوش به زنگ توفان

ایسنا، سازمان هواشناسی کشور نسبت به وقوع رگبار و رعدوبرق در ۲۳ استان، تشدید بارش در هفت استان و وزش باد شدید تا نسبتا شدید در هشت استان هشدار داده است.

سازمان هواشناسی کشور هشدار داده است از پنجشنبه (۱۱ اردیبهشت) تا شنبه (۱۳ اردیبهشت) در هفت استان رگبار باران، رعدوبرق، وزش باد شدید و احتمال خیزش گردوخاک و بارش تگرگ در نقاط مستعد پیش‌بینی می‌شود. این شرایط به دلیل فعالیت سامانه بارشی و ناپایداری‌های موقتی بوده و ممکن است منجر به بالادادن ناگهانی آب رودخانه‌ها، سیلابی‌شدن مسیل‌ها و خسارت به سازه‌های موقت شود. همچنین، توصیه‌هایی برای احتیاط در فعالیت‌های کوهنوردی و توقف‌نکردن در حاشیه رودخانه‌ها ارائه شده است. صدور هشدار زردرنگ نیز درباره وقوع رگبار و رعدوبرق در ۲۳ استان و وزش باد شدید و خیزش گردوخاک در هشت استان است که بر اثر آن، کاهش کیفیت هوا رخ خواهد داد.

این رخداد در هفت استان اثرگذار است که استان‌های قزوین، شمال تهران و شمال البرز، جمعه (۱۲ اردیبهشت) شمال استان کردستان و جنوب استان آذربایجان غربی و شنبه استان‌های اردبیل، شرق و جنوب آذربایجان شرقی، شمال آذربایجان غربی را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

سازمان هواشناسی کشور ازجمله آثار این مخاطره را بالادادن ناگهانی آب رودخانه‌ها و سیلابی‌شدن مسیل‌ها و آب‌رفتگی معابر، اختلال در ناوگان حمل‌ونقل، وزش باد شدید موقتی، کاهش دید افقی، خسارت به سازه‌های سبک و موقت و شکستن درختان پیش‌بینی کرده و در همین رابطه نکاتی را نیز توصیه کرده است.